

شہید غلام رضا قاسمی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوشہر

خلیل	نام پدر
۱۳۴۲	تاریخ تولد
بوشهر - بوالخیر	محل تولد
۳۱/۲/۷۰	تاریخ شهادت
خلیج فارس	محل شهادت
	مسئولیت
	نوع عضویت
	شغل
راهنمایی	تحصیلات
جاویدالانر	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید غلامرضا قاسمی

شهید غلامرضا قاسمی در سال ۱۳۴۲ در دهستان ابوالخیر، در خانواده‌ای متدین و محب خاندان رسالت و امامت دیده به جهان گشود و از نظر مالی از قشر متوسط و از لحاظ خوشنامی در میان جامعه مشهور بودند و روش تربیت این خانواده بر اساس موازین دینی و عدالت اسلامی انجام می‌گرفت، لذا شهید عزیز که ذاتاً پخته و همچون دری سفته بود در چنین محیط آبرومندی نشو و نما یافت تا اینکه به مدرسه‌ای که در زادگاهش بود، قدم گذاشت. در زمان دبستان مورد توجه خاص و عام و معلمان قرار گرفت و بعد از پایان دبستان به مدت دو سال دوره راهنمایی را در زادگاهش به تحصیل اشتغال داشت، که انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید. طلیعه این پیروزی دیده و قلب نورانی این جوان مشتاق حقیقت را نوری دیگر و سروری بیشتر بخشید، چندان که عاشق و شیفته حضرت امام (ره) و اطاعت از دستورات و فرامین وی نمود. او همه آرزوهای مادی خود را از یاد برده بود، تا سال ۱۳۵۹ که استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکای جنایتکار از هیئت انقلاب مقدس اسلامی ایران به رهبری مرجع بزرگ عالم اسلام حضرت امام (ره) سراسر وجودشان را خوف و وحشت فرا گرفته بود، و با تعیین نوکری حلقه به گوش یعنی صدام، جنگی ناخواسته را بر ایران اسلامی تحمیل کردند، که نتیجتاً غلامرضا قاسمی نیز همچون دیگر جوانان غیور، سنگر جبهه نبرد حق علیه باطل را بر تحصیل معلم و سنگر مدرسه مقدم داشته و در کسوت مقدس پاسداری انقلاب اسلامی در آمد و به سوی میادین نبرد با دشمنان اسلام شتافت و جانانه انجام وظیفه نمود و با ابراز لیاقت در سمت مخابراتی، در عملیاتهای «فتح المبین»، «بیت المقدس»، «والفجر ۸»، «فتح فاو» و «خیبر» و عملیاتهای دیگر شرکت مداوم داشت. شهید، در اغلب عملیاتها با قلبی مطمئن و استقامتی تمام و ایمانی راسخ، رشادتها نمود و شجاعتها به خرج داد که همزمانش از وجودش مباحثات می‌نمودند. شهید بزرگوار پیراسته به اخلاق پاک و آراسته به زیور ایمان بود. او هیچ‌گاه به ظواهر دنیوی و مادیات توجهی نمی‌کرد. همت والای او خیرخواهی و آبرومندی و سعادت‌خواهی برای مسلمانان بود.

علیرغم فشارهای زندگی، همیشه خدمت در طریق اسلام و میهن را بر تمامی امور زندگی و حیات دنیوی ترجیح داد و دوباره بعد از جنگ با دلگرمی بیشتری در اسکله نیروگاه مشغول به خدمت شد.

از شهید عزیز یک پسر به نام «یاسر» و دو دختر به نامهای «ماریه» و «مهديه» به یادگار است. وی در طی یک مانوری در آب‌های خلیج فارس در درگیری با ناوهای آمریکای جهان‌خوار در تاریخ ۳۱/۲/۷۰ به سوی معبود شتافت و پیکر مطهرش چون گوهری گرانبه در آبهای نیلگون خلیج فارس مفقود گردید.

مصاحبه

مصاحبه با همسر شهید

روابط ایشان با پدر و مادر خودش و من بسیار نیکو بوده و یکی از ویژگیهای بارز شهید. اخلاق وی بود که در رفتار با دیگران فرق نمی‌نهاد و سعی می‌نمود با همه مخصوصاً پدر و مادر من، به گونه‌ای رفتار کند که دیگران و آنها دلخور نشوند.

از من انتظار داشت که خدا را فراموش نکنم و از فرزنداش اشخاصی مصل خودش بسازم.

از روشهای تربیتی ایشان برای فرزندان ما به این نحو بود که با سخن خوش و در واقع با زبان خودشان به آنها نصیحت می‌کرد و آنها را آگاه می‌ساخت.

فعالیت‌های مذهبی و عقیدتی که داشتند این بود که جوانان و نوجوانان را به جهاد و جنگ علیه دشمن ستمگر دعوت می‌نمود.

وی همیشه در مورد امام(ره) می‌گفت: «اگر ایشان نبودند، ما زندگی راحت و آرامی نداشتیم و نمی‌توانستیم با آزادی و به اراده خود زندگی کنیم» همچنین می‌گفت: «اگر امام(ره) نبود انقلاب به پیروزی نمی‌رسید».

خاطرات

خاطراتی از شهید غلامرضا قاسمی:
فرزند شهید قاسمی در بیان خاطرهایی چند از پدر گرامی چنین نقل می‌کند:

تا دو روز بعد از ارتحال حضرت امام(ره) پدر همچنان خیلی منقلب بودند و آنچنان ناراحت و گرفته بود که طاقت نیاورد در منزل بماند و جهت تشییع حضرت امام(ره) به سوی تهران حرکت کردند. وی پس از چند روز که برگشت از حالت گرفته و پژمردگی خارج شده بودند هنگامی که علت را از او جویا شدیم که چه شده که دیگر ناراحت و غمگین نیستی در جواب گفت: رسالت امام ادامه خواهد یافت و ما این رسالت را با رهبری آیت الله خامنه‌ای ادامه می‌دهیم ایشان خلاص وجود امام امت را با رهبری متفکرانه خویش پر خواهند نمود. پدر با جمع آوری آثار شهدا و گرامی داشت یاد آنها از طریق همایش‌ها و کنفرانس جمع آوری خاطرات آنها و دفاع از انقلاب ارزشهای آنها پیروی کرد ایشان معتقد بودند که می‌توان از این طریق حرمت خون شهیدان را حفظ کرد و راهشان را ادامه داد و در جایی دیگر به خاطر دارم که او بدون تعقیبات نماز از آن جدا نمی‌شد روزه‌های مستحبی فراوان می‌گرفتند و از آنجا که عاشق امام حسین و اهل بیت عصمت و طهارت بودند با نصب پرچمهای سیاه و نوشته‌هایی در این باره در حسینیه و مسجد چهره روستا را واقعا محرمی کرد و از بزرگترها شنیده بودم که در زمان رژیم ستم شاهی به پخش اعلامیه‌های گوناگون از امام بر ضد دولت آن زمان فعالیت‌هایی را داشته‌اند و با اینکه سنشان کم بوده است ولی این فعالیت‌های وی به اندازه‌ای در دیگران موثر او اعلامیه‌ها را از برخی بزرگان که الان شهید و یا مجروح شده‌اند و یا در نهادهای سپاه مشغول به خدمت می‌باشند دریافت می‌کرده و میان مردم تقسیم می‌نمود. پدر مرا به قرارگاه می‌برد و سوار قایق می‌کرد. آنقدر خوشحال بودم که گویی دنیا را به من داده باشند و همچنین با او به زمین فوتبال واقع در ورزشگاه شهید بهشتی می‌برد و ساعتها در کنار زمین با من بازی می‌کرد در برخی از موارد که به خانه دوستان و هم‌رزمان خویش می‌رفت من نیز با او می‌رفتم و مشاهده می‌کردم که او چگونه از آنها یاد می‌کرد به عیادتشان می‌رفت و یا به دیدار خانواده‌های آنان می‌رفت که شهید شده بودند.

هم‌رزم شهید در بیان خاطره‌ای نقل میکند در جام فوتبال شهید عبدالعزیز عاشوری که در روستای گاهی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۰ برگزار شد ضربه‌ای به ساق پایش خورد که به تصدیق دکترها ساق پای وی ترک خورد و قرار شد که پایش را گچ بگیرند، که مصادف شد با مانوری که اسم او در بین شرکت کنندگان بود. شهید از گچ گرفتن پای خود صرف نظر کرد و گفت: «در این موقع درست نیست که از صف برادران جدا باشم.» وی همانند عمروابن جموح با پای لنگان به سوی مانور روانه شد و در همانجا در مصاف با نیروهای آمریکایی به آرزوی دیرینه‌اش که همانا شهادت در راه خداوند بود دست یافت.

روحی شاد و راهش گرامی
سجایای اخلاقی شهید غلامرضا قاسمی

فرزند شهید قاسمی می‌گوید: پدرم به دیگران احترام می‌گذاشت، فقیر و غنی را یکی می‌شمارد، در قلب مردم و با مردم بود، و روحیه اخلاقی او زبانزد عام و خاص. فرزند شهید قاسمی نیز مانند خود او رفتار می‌کند و در معنویات به ما نشان می‌دهد که پدر از اعمال انسانی برای او چه چیزی باقی گذاشته است. شهید یک فرزند پسر و دو دختر از خود به جای گذاشته است. و از آنچه که خود برای رسیدن به معبودش فرا گرفته بود به آنان نیز آموخت. وی شخصی با روحیه بود و به نماز اول وقت اهمیت خاصی می‌داد. مردم را به پیروی از رهبر توصیه می‌کرد. ایشان در دوران رژیم ستم شاهی اقدام به پخش اعلامیه‌های امام(ره) در بین مردم می‌کرد و به مبارز با رژیم ستم شاهی می‌پرداخت. پس از پیروزی انقلاب نیز به هیچ وجه نگذاشت که سنگرهای اسلام خالی بماند، و با جانی که بر کف وارد جبهه‌ها شد. شهید علاوه بر مهربانی فراوان در مورد خانواده و در کارها مشورت با آنها را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی با عطف و مهربانی با خانواده رفتار می‌کرد، و با همه اقوام به گونه‌ای بسیار خوب رفتار می‌کرد و از این جهت نیز مورد توجه اقوام قرار گرفته بود. شهید قاسمی دوست میداشت خانواده‌اش را راه شهیدان

وامام راحل را زنده نگه دارند و همیشه خدمت گذاری خوب برای انقلاب و جامعه اسلامی باشند. وی هنگام رحلت امام(ره) به دیار جاودان، حالت عجیبی پیدا کردند و نتوانستند تحمل کنند و در روز دوم رحلت ایشان، به سمت تهران حرکت، و در تشییع پیکر آن معلم بزرگ شرکت نمود و بعد از آن نیز نگه کلام ایشان این بود که: اگر امام رفت، رسالت وی را آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) ادامه خواهند داد و راه امام راحل را با پیروی از او ادامه خواهیم داد. شهید به آیت الله خامنه ای عشق فراوان می ورزید و همیشه به سخنرانی های امید دهنده ایشان، گوش فرا می داد. فرزند شهید، درباره خصوصیات عبادی و انضباطی پدر می گوید: «پدر تا آنجا که در توان سنی ما بود، ما را به امور مذهبی و دینی خود آشنا میکرد و قرآن خواندن را به ما می آموخت و به خواندن قرآن سفارش می کرد و همیشه به نظم اهمیت می داد» و می گفت: «باید به گونه ای باشید که تفریح نیز در کنار کارهای دیگر فراموش نشود.» و از این جملات چنین برمی آید که شهید دوست داشته است که امانت های خداوند (فرزندانش) آنچنان که خود بود و خدا می خواست تربیت کند، و برای کمک به جامعه و در راه اسلام، در هر زمان و هر وضعیتی آماده باشند و از هر گونه خدمتی به این جامعه اسلامی دریغ نکنند. شهید قاسمی پس از سالها تلاش خستگی ناپذیر در راه اسلام، در سال ۱۳۷۰ دعوت حق را لبیک گفته و به دیار جاوید شتافت.



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر